

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادب فارسی

علیرضا آرمان^۱ مهیار علوی‌مقدم^{۲*} علی‌تسنیمی^۳ محمود الیاسی^۴

(دریافت: ۱۳۹۸/۱/۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱)

چکیده

به‌کارگیری استعاره‌های متفاوت در متن توسط کاربران زبان، بازتاب‌نگرش و تلقی آن‌هاست. ایدئولوژی‌ها و بینش‌ها، به‌منظور تحقق باورها و آموزه‌های خود، استعاره را خلق می‌کنند. به این ترتیب، نقش استعاره در اجتماع و زندگی، انکارناپذیر است. ضرب‌المثل به‌مثابه بازتابنده اندیشه‌های گویشوران یک زبان، بخشی از ادبیات بومی و مردمی است که می‌توان آن را جزو بهترین راه‌های بیان اندیشه‌های رایج در میان آنان دانست. نام حیوانات از پرکاربردترین واژه‌هایی هستند که در ضرب‌المثل‌های فارسی، در دیوان شاعران پیشین و معاصر برای نمایاندن ساحت‌های مادی و معنوی استفاده شده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد به واکاوی استعاره‌های مفهومی صور حیوانی در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادبی، بر اساس نظریه زبان‌شناسی شناختی، بپردازد. داده‌های این پژوهش برگرفته از فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی اثر ذوالفقاری است؛ به این ترتیب که قریب صد هزار ضرب‌المثل بررسی و موارد موردنظر یادداشت و تحلیل شدند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که در کل ضرب‌المثل‌های بررسی‌شده درخصوص کاربرد حیوانات، ۱۸۴ نگاشت دیده شد که در این میان، استعاره

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

m.alavi.m@hsu.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۴. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

مفهومی «ضعف و ناتوانی» با ۲۶ ضرب‌المثل و ۱۵ نگاشت، بیشترین بسامد و پس از آن، به‌ترتیب استعاره مفهومی «دشمنی» ۲۱ ضرب‌المثل و ۸ نگاشت، استعاره مفهومی «نیرومندی» ۱۵ ضرب‌المثل و ۶ نگاشت و سرانجام استعاره مفهومی «نادانی و بی‌خردی» ۱۲ ضرب‌المثل و ۵ نگاشت را به خود اختصاص داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نگاشت، صور حیوانی، ضرب‌المثل.

۱. مقدمه

در «زبان‌شناسی شناختی»^۱ تلاش می‌شود تا مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی باشد. زبان‌شناسی شناختی خروجی‌های ذهن را بررسی می‌کند و مدعی است که زبان آدمی از بهترین مراجع برای دسترسی به شناخت انسان است. محققان این حوزه به خاستگاه اجتماعی، تاریخی، زیستی و محیطی زبان توجهی ویژه نشان می‌دهند و چگونگی شکل‌گیری زبان را متأثر از این عوامل می‌دانند. زبان‌شناسان شناختی، مانند دیگر زبان‌شناسان، زبان را به‌دلیل خود زبان مطالعه می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند نظام‌مندی ساختار و کارکردهای زبان را توصیف کنند و نحوه درک این عملکردها توسط سیستم زبان را شرح دهند؛ اما یکی از دلایل مهمی که زبان‌شناسان شناختی، اساس زبان را مطالعه می‌کنند، در این فرضیه است که زبان، انعکاس‌دهنده الگوهای تفکر انسان است. زبان‌شناسی شناختی رویکردی است به مطالعه زبان، بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی. بنابراین مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آراء ذهن انسان پی برد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۶). رویکرد شناختی به زبان، رویکرد معنی‌بنیاد است که معنی را مهم‌ترین موضوع در مطالعه زبان می‌داند. همین نگاه به معنی سبب شد که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در امریکا، جورج لیکاف و مارک جانسون حرکت جدیدی را در معنی‌شناسی آغاز کنند که بعدها به نام «معنی‌شناسی شناختی» معرفی شد (دبیرمقدم، ۱۳۸۶: ۱۲). در تفکرات شناختی، درباره استعاره نگرش متفاوتی وجود دارد:

در مقابل دیدگاه سنتی، بحث استعاره در باور شناخت‌گرایان محدود به لفظ و زبان نیست. در این دیدگاه، استعاره، موضوعی مفهومی است که در سطح اندیشه ایجاد می‌شود. بنابراین استعاره برخلاف تعاریف سنتی، خاص شعر و ادبیات و تخیل ادبی نیست، بلکه نظام مفهومی ما را از انتزاعی‌ترین تا ملموس‌ترین و جزئی‌ترین امور، در بر گرفته و در تعریف واقعیت‌های زندگی نقش اصلی را برعهده دارد (براتی، ۱۳۹۶: ۸۰).

لیکاف به بررسی استعاره پرداخت و از نظر او، استعاره سازوکار اصلی اندیشه انسان است که از طریق آن، مفاهیم انتزاعی را درک می‌کنیم و دست به استدلال انتزاعی می‌زنیم. عمده مطالب، از پیش‌پا افتاده‌ترین موضوعات گرفته تا پیچیده‌ترین نظریات علمی، از طریق استعاره درک می‌شوند. بنیاد استعاره، مفهومی است نه زبانی. زبان استعاری، تجلی روساختی استعاره مفهومی است. اگرچه عمده نظام مفهومی ما استعاری است، بخش بسیاری از آن، غیرمفهومی است. درک استعاری مبتنی بر درک غیراستعاری است. استعاره به ما امکان می‌دهد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا ذاتاً فاقد ساختار را برحسب موضوعی عینی‌تر یا دست‌کم ساخت‌مندتر درک کنیم (لیکاف، ۱۳۸۳: ۲۸۳). استعاره مفهومی، فهم حوزه مقصد بر اساس حوزه مبدأ است و اصل استعاره بر پایه نگاشت‌ها استوار است. آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ و آن حوزه مفهومی را که به این روش درک می‌شود، حوزه مقصد می‌نامیم (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۵).

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. بیان مسئله

ضرب‌المثل یکی از گونه‌های ادب عامه است که بازتابنده فرهنگ و اندیشه‌های گویشوران هر زبان است و مردم، آن را به‌عنوان بهترین راه برای بیان اندیشه‌های رایج میان خویش برگزیده‌اند و نموداری است از صفات اخلاقی، افکار، تصورات و رسوم آن ملت (شکورزاده بلوری، ۱۳۷۲: هفت). ضرب‌المثل به‌عنوان برآیند درک گویشوران یک زبان، یک نگرش تاریخی از سبک زندگی و رویارویی آنان با چالش‌ها ارائه می‌کند و در این میان، حیوانات جایگاهی درخورد در این گونه ادبیات عامیانه دارند. نگاه به

ضرب‌المثل‌های دربردارنده نام حیوانات، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع باشد (صادقی‌منش، ۱۳۹۶: ۵۲).

ضرب‌المثل‌ها یکی از گونه‌های ادبی هستند که در چارچوب معناشناسی شناختی قابل بررسی‌اند. بر اساس نظریه استعاره مفهومی، تطابق حوزه مبدأ با مقصد امکان‌پذیر است و چون ضرب‌المثل‌ها دارای ساخت علی، ساختار زمانی، شکل رویداد، ساختار هدف، وجه و میزان خطی هستند، می‌توانند با لفظی اندک و به شکلی تأثیرگذار، مفاهیم انتزاعی را بیان کنند. در ضرب‌المثل‌ها، هر یک از مفاهیم انتزاعی، به وسیله نمودهای حیوانی بیان شده‌اند که برای درک آسان‌تر مفاهیم انتزاعی با مفاهیم نمادین در ضرب‌المثل‌ها بیان می‌شوند.

۲-۲. پرسش‌های پژوهش

تحلیل و توصیف ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس نظریه استعاره مفهومی، می‌تواند راهنمای ما در جهت دستیابی به ساحت گسترده اندیشه فارسی‌زبانان و باورها و پسندها و ناپسندهای آنان باشد که به شیوه‌ای غیرمستقیم و با بهره‌بردن از ابزار «مثل»، بیان شده است. در راستای این پژوهش، پرسش‌های زیر، مطرح می‌شود:

- نگاهت‌های استعاره‌های مفهومی متکی بر نام حیوانات، در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادبی، کدام‌اند و بسامد هر یک چه مقدار است؟
- نگاهت‌های پرکاربرد، بیانگر چه ابعادی از اندیشه و باورهای مردم ایران، در برخورد با جهان پیرامون آن‌هاست؟

۲-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی شناختی ضرب‌المثل‌های فارسی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان» نوشته روشن (۱۳۹۲) که به بررسی مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان بر مبنای مدل «طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی، پرداخته است. نتیجه این

پژوهش، مشخص شدن طرح‌واره فضا، طرح‌واره مهارشدگی و طرح‌واره جابه‌جایی (حرکت) بوده است. مقاله دیگر «مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن، از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی» نوشته متقی‌زاده (۱۳۹۳) است که به بررسی ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یکی از وجوه ادبیات شفاهی، پرداخته است. نتیجه این پژوهش، حاکی از آن است که بررسی و مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی و کشف وجوه تشابه و تفارق آن‌ها، بیانگر اشتراکات و تفاوت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی میان ایرانیان و اعراب است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی مبانی استعارای ضرب‌المثل‌های دینی - مذهبی» نوشته ملاکی (۱۳۹۵) که نویسنده، مبنای استعارای ضرب‌المثل‌های دینی را غالباً «ساختاری» می‌داند و علت آن را این‌گونه بیان می‌کند که چون در گفتمان دینی، مفاهیم، پشتوانه‌ای نیرومند از اعتقاد و عقلانیت دارند، در ساختاری قرار می‌گیرند که اعتقاد، تسلیم، تحکم و تغییرناپذیری، ویژگی بارز آن است. مقاله دیگر، «تحلیل زمان و شاخص‌های زمانی در ضرب‌المثل‌ها با رویکرد نشانه - معناشناسی» نوشته اطهری (۱۳۹۳) است. نویسنده معتقد است که ضرب‌المثل‌ها درحقیقت، وجودی مجازی دارند و پس از به‌کار گرفته شدن در بافت یا شرایط خاص، به‌وسیله گوینده آن، حضوری جاری خواهند داشت. همچنین وی ضرب‌المثل را ذاتاً «بیان جمعی» می‌داند که پس از کاربرد آن از جانب گوینده، به «بیان فردی» و تجربه شخصی بدل می‌شود. مقاله دیگر «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی» نوشته رضایی (۱۳۹۴) است. وی معتقد است که درک مفاهیم در ضرب‌المثل‌ها بر پایه آن دسته از حوزه‌های مبدأ شکل می‌گیرد که برآمده از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. فضائی (۱۳۹۲) پژوهش دیگری با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های فارسی» انجام داده است. وی پس از بررسی شصت ضرب‌المثل بر اساس طرح‌واره‌های قدرتی، به دریافت‌هایی در زمینه روان‌شناسی قوم‌شناختی ایرانی رسیده و نتیجه آن دریافت‌ها، این است که تفکر حاکم بر رفتار قوم ایرانی، این بوده و هست که در برابر سد مشکلات، پایداری کنند، برای هر مشکلی در جست‌وجوی راه حلی باشند و همچنین سعی کنند بهترین راه حل را در مواجهه با مشکل و برای برطرف کردن آن، برگزینند. در زمینه تحلیل معناشناختی

نگاشت‌های استعاره‌ای نام «حیوانات» در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادب فارسی، تنها یک مورد یافت شد: مقاله «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار» نوشته شریفی (۱۳۹۲) است. وی به کارکردهای تربیتی و آموزشی ضرب‌المثل‌ها و تشابه آن‌ها با ضرب‌المثل‌های گویش کرمانی پرداخته و تحلیلی معناشناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های منطقه لار، ارائه کرده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. استعاره مفهومی

واژه استعاره شامل گروه خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود و در آن، از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱). در دیدگاه کلاسیک در تعریف واژه استعاره گفته‌اند: شیوه بیان بدیع شاعرانه، که طی آن یک یا چند واژه موجود برای یک مفهوم، خارج از معنای معمول قراردادی‌اش، برای بیان مفهوم مشابه به‌کار گرفته می‌شود (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ در کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* بیان کردند که خلاف تصور عامه مردم که استعاره را یک ابزار ادبی صرف زبان شعر و شاعری می‌دانند و آن را جدا از اندیشه و عمل می‌پندارند، استعاره‌ها عملاً ساختار ادراکات و دریافتهای ما را تشکیل می‌دهند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۷). «درون‌مایه استعاره عبارت است از درک و تجربه چیزی بر حسب چیز دیگر» (همان، ۵). آنان تأکید دارند که استعاره لزوماً ابزار زبانی برای اندیشه نیست؛ بلکه راه و روشی برای اندیشیدن در مورد چیزهاست. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ادعا می‌کنند که نظام تصویری ذهن انسان، بر پایه مجموعه کوچکی از مفاهیم تجربی شکل گرفته است؛ مفاهیمی که مستقیماً از تجربه ما ناشی می‌شوند و به خودی خود و نه در ارتباط با حوزه‌های تصویری دیگر، تعریف می‌شوند (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱)

آنان در مورد استعاره به دو نکته اشاره دارند: ۱. زبان استعاری، بر پایه یک نظام فکری، استوار است؛ ۲. استعاره‌های مفهومی در ماهیت ارتباط ما با جهان واقعی قرار دارند؛ بنابراین آنچه به آن می‌اندیشیم و هر آنچه که در زندگی انجام می‌دهیم، تحت تأثیر استعاره است و از آن‌جا که استعاره مفهومی برآمده از ادراک و نظام مفهومی انسان است، می‌تواند محمل خوبی برای دست‌یابی به معانی پنهان و سامانه‌های فکری افراد باشد (همان). در این نظریه، استعاره، نگاشت‌های کلی بین حوزه‌های مفهومی است؛ به عبارت دیگر، استعاره، به هر نوع مفهوم‌سازی و بیان مفاهیم یک حوزه ذهنی در قالب حوزه ذهنی دیگر که غالباً حوزه‌ای ملموس‌تر است، گفته می‌شود و استعاره، نگاشت میان مفاهیم دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است (نور محمدی، ۱۳۸۷: ۴). یکی از مشخص‌ترین روابط معنایی، مسئله استعاره است؛ یعنی واژه‌ای در کنار معنی تحت‌اللفظی خود، یک یا چند کاربرد جنبی نیز داشته باشد (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۱۶). در زبان‌شناسی شناختی، استعاره از دیدگاه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) انتخاب برخی از ویژگی‌های یک حوزه مفهومی و انتقال آن به حوزه مفهومی دیگر است؛ یعنی انتقال برخی از ویژگی‌های حوزه مبدأ به حوزه مقصد.

۲-۳. ضرب‌المثل از دیدگاه استعاره مفهومی

در استعاره مفهومی با دو حوزه سروکار داریم: حوزه مبدأ که ضرب‌المثل به آن ارجاع می‌یابد و ادراک ما از آن، به‌طور خودکار، دانش حوزه مقصد را فعال می‌کند و در این حوزه نیز ضرب‌المثل در بافت به‌کار برده می‌شود. بر اساس نظریه استعاره مفهومی، تطابق حوزه مبدأ با مقصد امکان‌پذیر است و این تطابق به‌واسطه تفسیر و درک ضرب‌المثل‌ها انجام می‌گیرد (روشن و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۰). تمام ضرب‌المثل‌ها دارای طرح‌واره‌های سطح کلی و طرح‌واره‌ها شامل ساخت علی، ساختار زمانی، شکل رویداد، ساختار هدف، وجه و میزان خطی هستند. بنابراین، آن‌ها شامل عناصر اصلی ساختار سطح عام و کلی هستند. تفسیر استعاری چنین آشکال گفتمانی، از جمله ضرب‌المثل‌ها، افسانه و غیره به توانایی انسان در استخراج طرح‌واره‌های سطح کلی بستگی دارد (رضاپور، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۶). لیکاف و ترنر رابطه بین ساختار دانش و ساختار سطح عام آن

را با استعاره «عام، خاص است» بیان کرده‌اند. این سازوکاری عمومی برای درک عام است بر حسب خاص. وجود اصل تغییرناپذیری، ضرورت ارائه تعریفی متفاوت از ساختار سطح عام را از بین می‌برد و خود ویژگی‌های ساختار سطح عام را تعیین می‌کند و موارد ممکن از تشخیص (انسان‌پنداری) و تفسیرهای ممکن از ضرب‌المثل‌ها را تبیین می‌کند. استعاره عام خاص است کارکردی فراتر از ضرب‌المثل‌ها دارد (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۷).

۴. تجزیه و تحلیل استعاره‌های مفهومی ضرب‌المثل‌ها

اکنون به تحلیل و توصیف استعاره‌های مفهومی صور حیوانی، که از فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) استخراج شده است، بر اساس دیدگاه معناشناسی شناختی، می‌پردازیم. گفتنی است تمام ارجاعات به شعر شاعران فارسی‌زبان در جدول‌های ذیل، به نقل از کتاب فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی است و مبنای نقل قول‌ها همین مأخذ است و از این رو در منابع این مقاله، ذکری از مشخصات کتاب‌شناسی این منظومه‌های شعری نشده است.

۴-۱. استعاره مفهومی «نفس»

با دو نگاشت «نفس، ازدهاست» و «نفس، سگ است» در ضرب‌المثل‌ها نمود یافته است. در نظر عارفان به‌ویژه مولانا، «نفس اماره»، مذموم دانسته شده است و انسان باید خود را از هواجس نفسانی حفظ کند. این نگرش منفی به نفس، در استعاره‌های مفهومی ساخته آنان نیز مشهود است؛ چنان‌که مولانا برای برحذر داشتن مردم از نفس، آن را به ازدها مانند کرده است:

نگاشت	نمونه	بسامد
«نفس ازدهاست»	نفس ازدهاست او کی مرده است؟ (مولوی، مثنوی، ۱۰۵۳/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۷۸۲/۲)	۱
«نفس سگ است»	سگ نفس، آشناگیر است (طالب آملی، کلیات، ۲۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۰۵/۱)	۱

۴-۲. استعاره مفهومی «دشمنی»

استعاره مفهومی «دشمنی» با بسامد ۲۱ بار در ضرب‌المثل‌های مورد بحث تکرار شده است. در این نوع استعاره، مفاهیم حوزه مقصد با کمک و وام‌گیری از مبحث دشمنی مفهوم‌پردازی شده است. در ضرب‌المثل‌ها دشمن به اژدها، شیر درنده، افعی، حیوان درنده، سگ، مور، مار و موش تعبیر شده است:

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	اژدها شود از روزگار یابد مار (فرخی، ۶۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۲۷) اژدها می‌شود از حوای زمان آخر مار (صائب، ۱۰۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۲۷) از بیم مور در دهن اژدها شدم (ناصرخسرو، ۱۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۷۸)	«دشمن نیرومند اژدهاست» «دشمن اژدهاست»
۱	با شیر درنده کینه مساز (فردوسی، ۱۰۰۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۴۶۷)	«دشمن نیرومند، شیر درنده است»
۱	افعی کشتن و بچه نگه داشتن، کار خردمندان نیست (سعدی، ۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۴۱)	«دشمن قدرتمند، افعی است»
۱	احسان کند کند دندان تیز (سعدی، ۷۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۶۱)	«دشمن کینه‌جو، حیوان درنده است»
۱۳	مخالفان تو، موران بُدند، مار شدند (سدیدالدین عوفی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲/۱۶۴۹)؛ حذر کن زینهار از اتفاق دشمن عاجز / که چون پیوسته گردد مور با هم مار می‌گردد (صائب، ۱۳۸۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۲۵)؛ استمالت دشمن، بوسه‌ای باشد بر دهان مار (تاریخ الوزرا، ۶۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۳۶)؛ به دست	«دشمن نیرومند و آسیب‌رساننده، مار است»

	<p>دیگران می‌گیر ماری (نظامی، خسرو و شیرین، ۴۱۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۶۹/۱)؛ به دست کسان، مار باید گرفت (قابوس‌نامه، ۱۷۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۶۹/۱)؛ به ڈم مار خفته پا مگذار (هاتف اصفهانی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۷۰/۱)؛ چو در خانه بود دشمن تو را یار/ چنان باشد که داری باستین مار (ویس و رامین، ۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۹۳/۱)؛ ازدها شود ار روزگار یابد مار (فرخی، ۶۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷)؛ ازدها می‌شود از حوای زمان آخر مار (صائب، ۱۰۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷/۱)؛ از مار چه زاید به جز از مار بچه؟ (مهستی گنجوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۱۷/۱)؛ از مار، بچه مار آید (سمک عیار، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۱۷/۱)؛ آن که عیب تو گفت یار تو است / و آنکه پوشیده داشت مار تو است (اوحدی، دیوان، ۵۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۴۷/۱)؛ یار تو و مار تو است این تنت (ناصرخسرو، ۱۷۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۹۶۶/۲)</p>	
۱	<p>از صلح میان گربه و موش / بر باد رود دکان بقال (ایرج میرزا، ۱۹۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۷/۱)</p>	<p>«دشمن حقیر و مؤذی، موش است»</p>
۱	<p>از بیم مور در دهن ازدها شدم (ناصرخسرو، دیوان، ۱۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۸/۱)</p>	<p>«دشمن حقیر، مور است»</p>
۱	<p>با بداندیش هم نکویی کن / دهن سگ به لقمه</p>	<p>«دشمن بداندیش، سگ»</p>

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌های _____ علیرضا آرمان و همکاران

است»	دوخته به (سعدی، گلستان، ۸۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۰/۱)
------	---

۳-۴. استعاره مفهومی «عاشق»

این استعاره با بسامد ۷ مورد یافت شد. چنانچه در نگاشت‌های مطرح‌شده در این حوزه، عاشق به چهار حیوان از جمله بلبل، شتر مست، ماهی و پروانه مانند شده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی، گلستان، ۵۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸/۱) باغبان چون در چمن گل دید، بلبل می‌شود (سلیم، ۲۴۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۸/۱)	«عاشق ظاهرین بلبل است» «عاشق، بلبل است»
۳	پروانه، چراغ حرم و دیر نداند (عرفی، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۱) پروانه‌ام و عادت من، سوختن خویش (وحشی بافقی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۱) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی، گلستان، ۵۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸)	«عاشق بی پروا، پروانه است» «عاشق دلسوخته، پروانه است» «عاشق واقعی، پروانه است»
۱	آری شتر مست کشد بار گران را (سعدی، کلیات، ۴۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۱۳/۱)	«عاشق، شتر مست است»
۱	عاشق تا به کی شود ماهی؟ (سنایی، حدیقه، ۷۳۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۰۹/۱)	«عاشق، ماهی است»

	باد بر دهد الحق سزای اوست (ابن یمن، ۳۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۵/۱)	
۱	آهو بچه کی باشد چون بچۀ ضیغم؟ (فرخی، ۲۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۵۴)	«ضعیف و آسیب‌پذیر، بچه آهوست
۱	از دنبه تا نماند نوید و بی نصیب/ خرسند کی شود سگ بیچاره به استخوان؟ (ناصرخسرو، ۵۰۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۹۵)	«شخص ضعیف و ناامید، سگ است»
۲	از صعوه‌ای محال بود صید کرگدن (ادیب صابر، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۰۷)؛ ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعوه کاو پرواز با عنقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۵۸)	«شخص ضعیف و ناتوان صعوه است»
۱	بس کس که گاه حمله، چو میشی بود ضعیف/ هر چند گاه لاف چو شیری بود ژبان (امیر معزی، ۵۰۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۵۲۹)	«شخص ضعیف و ناتوان، میش است»
۱	اگر بریان کند بهرام، گوری/ نه چون پای ملخ باشد ز موری (سعدی، گلستان، ۹۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۵۰)	«شخص حقیر و ضعیف، مور است»
۱	پروانه چون برآید هرگز به چرخ پروین؟ (ناصرخسرو، ۲۳۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۳۰)	«شخص ناتوان، پروانه است»
۲	بر تازی فرسان، خیره خر لنگ متاز (قطران، ۱۸۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۵۱۰) آدمی است از پی کاری بزرگ/ گر نکند اوست جماری بزرگ (امیرخسرو دهلوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۰۷)	«کاهل و ناتوان، خر لنگ است» «ناتوان از انجام کار بزرگ، جمار است»
۱	تاب خور ندارد چشم خفاش (شیخ محمود	«ناتوان از رؤیت حقیقت،

	شبستری، ۷۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: (۶۶۷/۱)	خفاش است»
۱	با شیر، خود پنجه تواند زدن شغال؟ (سلمان ساوجی، ۵۶۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: (۴۶۷/۱)	«شخص ناتوان شغال است»
۱	اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد/ شکار از دست گنجشکان نگیرد (سعدی، کلیات، ۸۵۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۸۰/۱)	«شخص ناتوان و حقیر گنجشک است»
۱	ترحم بر پلنگ تیزدندان/ ستمکاری بود بر گوسفندان (سعدی، بوستان، ۱۷۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۶/۱)	«مردم مظلوم و ناتوان، گوسفند هستند»
۱	اهل عالم جمله طفل و ما چو مرغ بی‌پریم (کلیم، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۱/۱)	«شخص ناتوان، مرغ بی‌پر است»
۱	از نقاب عنکبوتی می‌شود عاجز مگس (صائب، ۲۳۳/۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۲/۱)	«شخص ناتوان، مگس است»
۱	آخر چه کارزار کند با پلنگ، رنگ؟ (سوزنی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«شخص ناتوان، رنگ (بز کوهی) است»

۴-۵. استعاره مفهومی «نادانی و بی‌خردی»

مفهوم «نادانی و بی‌خردی» در ضمن ۱۲ ضرب‌المثل و طی ۵ نگاهت: «نادان بهیمه است»، «نادان خر است»، «نادان گاو است»، «نادان گوساله است» و «نادان ستور است» مطرح شده است. مفهوم انتزاعی «نادانی» در حیواناتی که سمبل نادانی و بی‌خردی هستند، نمود یافته است؛ از این روی، درک مفهوم انتزاعی «نادان» آسان‌تر شده است.

پسامد	نمونه	نگاشت
۱	آری بر بهیمه چه سنبل چه سنبله (ابن یمین، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۱۳/۱)	«نادان بهیمه است»

<p>۸</p>	<p>حال عیسی ز خر چه می‌پرسی؟ (شاه نعمت‌الله ولی، ۵۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۲۴/۱)؛ ای خری کاین، از تو خر باور کند (مولوی، ۶۹۴/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۴/۱)؛ اینک خر تو بیار افسار (جامی، لیلی و مجنون، ۷۵۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۴۱/۱)؛ آدمی باش و زخرگیران مترس (مولوی، مثنوی، ۲۵۴۷/۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۷/۱)؛ پیش خر، خر مهره و گوهر یکی است (مولوی، مثنوی، ۳۳۰/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۶۰/۱)؛ بر زبان تسبیح و در دل، گاو و خر (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۲/۱). اگر خر نیاید به نزدیک بار/ تو بار گران را به نزد خر آر (فردوسی، ۲۲۷۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۴/۱)؛ اگر پیر خر بار نکشد، راه برَد (تاریخ سیستان، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۵۷/۱)</p>	<p>«نادان خر است» «نادان سرباززننده از کار، خر است» «نادان باتجربه، خر پیر است»</p>
<p>۱</p>	<p>بر زبان تسبیح و در دل، گاو و خر (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۲/۱)</p>	<p>«شخص نادان گاو است»</p>
<p>۱</p>	<p>پیش گوساله نشاید که تو قرآن خوانی (ناصرخسرو، ۴۳۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۶۱/۱)</p>	<p>«نادان گوساله است»</p>
<p>۱</p>	<p>آدمی بی‌خرد، ستور بود (سنایی، حدیقه، ۴۶۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۷/۱)</p>	<p>«بی‌خرد، ستور است»</p>

۴-۶. استعاره مفهومی «حرص و طمع‌کاری»

بسامد این استعاره در ضرب‌المثل‌ها ۵ مورد است. برای اینکه جذابیت ظاهری و نتیجه نامطلوب گرفتار شدن به رذایل اخلاقی و صفات ناپسند، به‌خوبی نشان داده شود، در

این مثل‌ها سعی شده است، طمع‌کاران به سگ، گرگ، مگس و مرغ تشبیه شوند تا با این استعاره‌های مفهومی، مخاطب را از ماهیت این رذایل، آگاه کنند و از این صفات برحذر دارند.

نگاشت	نمونه	بسامد
«طمع کار سگ است»	تا هست سگ، کجا به هما استخوان رسد؟ (صائب، ۱۹۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۰/۱)	۱
«شخص طمع‌کار گرگ است»	از آن بر گرگ، روبه راست شاهی / که روبه دام بیند، گرگ ماهی (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۸۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	۱
«دوست دغل و طمع‌کار، مگس است»	این دغل‌دوستان که می‌بینی / مگسانند دور شیرینی (سعدی، ۷۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۳۵/۱) این جا شکری است که چندین مگسانند (سعدی، گلستان، ۴۲۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۳۲/۱)	۲
«شخص حریص، مرغ است»	اگر جور شکم نبودی، هیچ مرغی در دام صیاد، نیفتادی (سعدی، ۱۷۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۰/۱)	۱

۴-۷. استعاره مفهومی «ظالم»

بسامد این نوع استعاره ۴ مورد است. از آن‌جا که همه مردمان از فرد ستمگر، می‌گریزند و او را ذاتاً و در سرشت، آسیب‌رساننده می‌دانند، مناسب‌ترین حیوانات برای به تصویر کشیدن این مفهوم انتزاعی در ضرب‌المثل‌ها، پلنگ، گرگ و دد است که نباید با آنان «کارزار» کرد؛ اما اگر کسی بر آن‌ها دست یافت، نباید بر آن‌ها «ترحم» کند؛ زیرا این کار «ستم» بر مظلومان است؛ لذا باید آن‌ها را از میان برداشت.

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	ترحم بر پلنگ تیزدندان / ستمکاری بود بر گوسفندان (سعدی، بوستان، ۱۷۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۶/۱) آخر چه کارزار کند با پلنگ، رنگ؟ (سوزنی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«حاکم ظالم و نیرومند پلنگ است» «ظالم و ستمگر، پلنگ است»
۱	هر که انصاف از او جدا باشد / دد بود دد، نه پادشاه باشد (سنایی، حدیقه، ۵۱۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۹۵/۲)	«پادشاه ستمگر و بی‌انصاف، دد است»
۱	این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست (پروین اعتصامی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۴۲ / ۱)	«حاکم ستمگر، گرگ است»

۴-۸. استعاره مفهومی «فرومایگی و حقارت»

فرومایگی و حقارت مفهوم انتزاعی دیگری است که در ضرب‌المثل‌ها با بسامد ۷ مورد، نمود یافته است. این مفهوم انتزاعی در حوزه‌های مبدأ: جغد (شوم)؛ کرکس (حقیر و فرومایه)؛ سگ، خر، گاو، وزغ و مگس (فرومایه و حقیر)، مفهوم‌سازی شده است تا درک این مفهوم ذهنی کاملاً حسی و ملموس شود.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	با بام خرابات چه جغدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۰۹/۱)	«شخص فرومایه، جغد است» «شخص نامبارک جغد است»
۱	اسب تازی، شده مجروح به زیر پالان / طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم (حافظ قدسی، ۴۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹ / ۱)	«شخص فرومایه، خر است»

۱	از سگ کمتر (فخرالدین علی صفی، لطایف الطوائف، ۲۳۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۳/۱)	«شخص فرومایه سگ است»
۱	بال کرکس کی رسد در ذروه دوپیکری (ادیب پیشاوری، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۷۵/۱)	«شخص حقیر و فرومایه کرکس است»
۱	اسب تازی نژاد، گاو پالانی شد (تاریخ الوزر، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۲۹)	«شخص فرومایه گاو است»
۱	اگر خود شود غرقه در زهر مار/ نخواهد نهنگ از وزغ زینهار (نظامی، شرف‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۶/۱)	«شخص فرومایه وزغ است»
۱	ای مگس، عرصه سیمرخ نه جولانگه توست (حافظ، ۳۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸/۱)	«شخص حقیر و بی‌مقدار مگس است»

۴-۹. استعاره مفهومی «قناعت»

مفهوم انتزاعی «قناعت»، با بسامد ۲ مورد در ضرب‌المثل‌ها یافت شد که نگاشت‌های استعاری «قانع هماست» و «قانع صدف است» این مفهوم انتزاعی را مجسم کرده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	تا صدف قانع نشد، پُر دُر نشد (مولوی، مثنوی، ۲۱/۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۸۳/۱)	«قانع، صدف است»
۱	تا هست سگ، کجا به هما استخوان رسد؟ (صائب، ۱۹۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۰/۱)	«قانع هماست»

۴-۱۰. استعاره مفهومی «نیرومندی»

مفهوم «نیرومند» ۱۵ بار در ضرب‌المثل‌ها مطرح شده است. در تجسم بخشیدن به این مفهوم انتزاعی، نگاشت‌هایی استعاری، آفریده شده‌اند که صور حیوانی: پیل، شیر، بچه شیر، عقاب، نهنگ (مظهر قدرت و شجاعت) و عنقا (نیرومند، دست‌نیافتنی و با مناعت طبع)، نیرومندی را مفهوم‌سازی کرده‌اند.

بسامد	نمونه	نگاشت
۴	پشه را کی بود مهابت پیل؟ (ظهير فاریابی، ۲۱۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۴۰)؛ پشه چو پر شد بزند پیل را (سعدی، گلستان، ۱۲۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۴۰)؛ اگر پیل با پشه کین آورد/ همه رخنه در داد و دین آورد (فردوسی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۵۷) با ژنده پیل، پشه چو پهلو همی زند/ گر جان به باد بر دهد الحق سزای اوست (ابن یمین، ۳۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۴۶۵)	«شخص نیرومند پیل است» «شخص قدرتمند، ژنده پیل است»
۱	اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد/ شکار از دست گنجشکان نگیرد (سعدی، کلیات، ۸۵۲، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۸۰) ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعوه کاو پرواز با عنقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۵۸)	«شخص نیرومند و با عزت نفس عنقا است» «حریف توانا و دست‌نیافتنی، عنقا است»
۶	بس کس که گاه حمله چو میشی بود ضعیف/ هر چند گاه لاف، چو شیری بود ژیان (امیر معزی، ۵۰۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۵۲۹)	«شخص نیرومند و خشمگین شیر است» «دلاور نیرومند، شیر است»

	<p>با شیر خود چه پنجه تواند زدن شغال؟ (سلمان ساوجی، ۵۶۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۷/۱)</p> <p>با دم شیری تو بازی می‌کنی؟ (مولوی، مثنوی، ۳۳۴۱/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۷/۱)</p> <p>ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعوه کاو پرواز با عنقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۸/۱)</p> <p>از شیر، شیر بچه آید (سمک عیار، ۴۷۸/۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۶/۱)؛ بر در خانه، هر سگی شیر است (سنایی، حدیقه، ۳۰۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۱/۱)</p>	<p>«شخص نیرومند و خطرناک، شیر است» «حریف نیرومند، شیر است» «شخص شجاع، شیر است»</p>
۱	<p>با پشه، عقاب را چه ناورد است؟ (خاقانی، ۷۵۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۱/۱)</p>	<p>«شخص نیرومند، عقاب است»</p>
۱	<p>آهو بچه کی باشد چون بچه ضیغم؟ (فرخی، ۲۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۴/۱)</p>	<p>«کوچک و آسیب‌رساننده، بچه شیر است»</p>
۲	<p>نهنگ آن به که با دریا ستیزد (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۱۴/۲)</p> <p>نهنگی شو که با دریا کند زور (امیرخسرو دهلوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۱۴/۲)</p>	<p>«دلاور شجاع، نهنگ است»</p>

۴-۱۱. استعاره مفهومی «شرافت»

مفهوم انتزاعی «شرافت» با استفاده از دو حوزه ملموس، که در صورحیوانی اسب تازی (مظهر شرافت و گهر نیک) و نهنگ عینی شده است و با بسامد ۳ مورد یافت شد:

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	اسب تازی شده مجروح به زیر پالان/ طوق زرین همه در گردن خر می بینم (حافظ قدسی، ۴۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۳۲۹)؛ اسب تازی نژاد، گاو پالانی شد (تاریخ الوزراء، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۳۲۹)	«شخص والاگهر، اسب تازی است»
۱	اگر خود شود غرقه در زهر مار/ نخواهد نهنگ از وزغ زینهار (نظامی، شرف‌نامه، ۱۷۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۳۶۶)	«انسان شریف، نهنگ است»

۴-۱۲. استعاره مفهومی «ظلم و بدی»

در ضرب‌المثل‌های برگرفته از صورت‌های حیوانات، صفات ناپسند «ظلم و بدی»، در وجود مار، عینی شده است. در فرهنگ مردم ایران، از دیرباز، مار نماد اهریمن، و منشأ تمامی بدی‌ها و زشتی‌هاست. در تفاسیر قصص قرآن کریم نیز مار، یار شیطان در فریفتن «آدم و حوا» است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	ظلم ماری است هر که پروردش / ازدهایی شد و فروخوردش (مکتبی، کلمات علیه، ۹۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۳۰۷)	«ظلم، مار است»
۱	بدی مار گرزده است از او دور باش (ناصرخسرو، ۲۷۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۴۹۷)	«بدی مار است»

۴-۱۳. استعاره مفهومی «آزار دادن»

مفهوم انتزاعی «آزار»، در ضرب‌المثل‌های فارسی، با نگاه‌های استعاری که از حیوانات: مار، گرگ، شیر و خرمگس، بهره گرفته، نمود پیدا کرده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	از این خلق، امید مهر آن چنان است / که آب حیات از لب مار خواهی (ابن یمین، ۵۳۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۲/۱)	«مردم آزارساننده، مار هستند»
۱	آن سخن‌های چو مار و کژدمت / مار و کژدم گردد و گیرد دُمت (مولوی، مثنوی، ۳۴۷۲/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۸/۱)	«سخن آزارساننده، مار است»
۲	از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ، پوستین دوزی (سعدی، گلستان، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۴/۱)؛ از من بگوی حاجی مردم‌گزای را / کاو پوستین خلق به آزار می‌درد (سعدی، گلستان، ۱۵۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱ / ۳۲۰)	«شخص بد و آزارساننده، گرگ است»
۱	ای بسا شیر کان تو را آهوست / وای بسا درد کان تو را داروست (سنایی، ۱۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۳/۱)	«شخص آزارساننده، شیر است»
۱	از خرمگس زمانه فریاد (خاقانی، ۵۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸۹/۱)	«آزاردهنده، خرمگس است»

۴-۱۴. استعاره مفهومی «شجاعت و جنگ‌آوری»

مفهوم انتزاعی «شجاعت و جنگ‌جویی» با بسامد یک مورد، این بار در صورت اژدها نمود یافته است. مشاهده می‌شود که در این نگاشت، خلاف سنن ادبی، با نگاهی مثبت به اژدها نگریسته شده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	ازدها را جنگ (حرب) ننگ آید که با حربا کند (منوچهری، ۲۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷/۱)	«جنگجوی اژدهاست» شجاع،

۴-۱۵. استعاره مفهومی «فلک، زمانه و جهان»

بشر از گذشته‌های دور، همواره از بخت و سرنوشت خود، گله و شکایت داشته؛ سرنوشتی که آن را از جانب ستارگان و فلک می‌دانسته است. «دشمنی» روزگار با آدمی یکی از محورهای اصلی اندیشه بشر بوده و هست که در ادبیات و فرهنگ عامه متمکن شده است. در ضرب‌المثل‌های فارسی، این مفهوم «دشمنی فلک» در چهره حیواناتی مانند: اژدها، شیر، گرگ پیر و خرمگس، با بسامد چهار مورد نمود یافته است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	فلک چون یکی هفت‌سر اژدهاست (اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۶۸/۲)	«فلک، اژدهاست»
۱	از خرمگس زمانه فریاد (خاقانی، ۵۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸۹/۱)	«زمانه خر مگس است»
۱	بود مصاف تو ای چرخ، با شکسته‌دلان/ همیشه شیر تو آهوی لنگ می‌گیرد (صائب، ۱۸۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۴۳/۱)	«چرخ شیر است»
۱	جهان گرگ کهن است و آدمی، بی‌وفای دیرینه. (طوطی‌نامه، ۳۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۷۶۰)	«جهان، گرگ پیر است»

۴-۱۶. استعاره مفهومی «آلودگی و پلشتی»

بنیان آفرینش استعاره‌هایی که بیانگر مفهوم انتزاعی «آلودگی» است، بر باورهای فقهی و مذهبی، نهاده شده است. «خون» را خوراک پشه و سگ را جزو «نجاسات» دانسته‌اند. بسامد این نگاشت، ۳ مورد است که در جدول زیر، نشان داده شده است.

نگاشت	نمونه	بسامد
«شخص پلشت و آلوده، پشه است»	پشه گاه افتد که خون‌آلود سازد شیر را (نجاتی، ۱۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۴۰)	۱
«شخص پلید سگ است»	اگر برکه‌ای پر کنند از گلاب/ سگی در وی افتد شود منجلاّب (سعدی، گلستان، ۸۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۵۰)؛ آدمی‌زاده چون خورد چیزی/ که سگان را دهان بود در وی؟ (سیف فرغانی، قصیده ۱۲۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۰۹)	۲

۴-۱۷. استعاره مفهومی «جاه‌طلبی و مال‌پرستی»

همان‌طور که پیش از این بیان شد، همه مفاهیم «ناخوشایند و ناپسند»، در وهله نخست به مار و اژدها مانده می‌شوند. این نگاشت در باورهای کهن ما ریشه دارد. در «یک بیت، مفاهیم «شهوة مال و جاه‌طلبی» جمع شده‌اند که مولانا به زیبایی، «خطرناک بودن» این صفات رذیله را به تصویر کشیده است.

نگاشت	نمونه	بسامد
«شهوة مال، مار است»	حرص شهوت، مار و منصب، اژدهاست (مولوی، مثنوی، ۳۴/۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۲۶)	۱
«جاه‌طلبی، اژدهاست»	حرص شهوت، مار و منصب، اژدهاست (مولوی، مثنوی، ۳۴/۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۲۶)	۱

۴-۱۸. استعاره مفهومی «بدزبانی و سخن‌های ناخوشایند»

مولوی در بیتی دیگر، «بدزبانی» را - که در دین، جزو گناهان کبیره است - در دو صورت حیوانی مار و کژدم مفهوم‌سازی کرده است؛ یعنی، سخنان آزاردهنده را مانند «سمّ مار و کژدم»، کشنده و نابودکننده می‌داند.

نگاشت	نمونه	بسامد
«سخن‌های ناخوشایند و آسیب‌رساننده کژدم است»	آن سخن‌های چو مار و کژدمت / مار و کژدم گردد و گیرد دُمت (مولوی، مثنوی، ۳/۳۶۷۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۸/۱)	۱
«سخن آزاردهنده و ناخوشایند مار است»	آن سخن‌های چو مار و کژدمت / مار و کژدم گردد و گیرد دُمت (مولوی، مثنوی، ۳/۳۶۷۲، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۸/۱)	۱

۴-۱۹. موارد متفرقه

استعاره‌های مفهومی «شتاب»، «اجل»، «بی‌فایده و بی‌سود بودن»، «شاعری»، «همت داشتن»، «کوتاهی عمر»، «ریاکاری»، «خون‌خواری»، «تکبر و غرور»، «کینه‌جویی»، «پُرخوری»، «ثروت و دارایی»، «روی برتافتن از حقیقت»، «بد فعل بودن»، «مهر زنان»، «رعیت»، «زیرکی»، «نیازمندی»، «زشت‌رویی»، «ترسو بودن»، «حسد»، «عظمت و بزرگی»، «پیروزی و موفقیت»، «تقدیر»، «بلائی آسمانی»، «بی‌نیازی»، «وقار و تأنی»، «تقلید»، «بلندپروازی»، «سستی»، «هولناک و آسیب‌رساننده بودن»، «حکمت»، «خیانت و بی‌وفایی»، «بدبختی»، «هم‌نشین بد»، «صبر»، «خجستگی»، «مخاطرات عمر»، «دل»، «زیبارویی»، «گرفتاری» و «نامبارکی و شومی».

۴۲ استعاره مفهومی بالا که با بسامد ۵۱ ضرب‌المثل یافت شده است، به‌علت اینکه در هر نگاشت، بسامد آن پایین بوده، به‌صورت تجمیعی و در یک جدول، گردآوری شده که در ذیل آمده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	اسب تازی دو تک رود به شتاب / شتر آهسته می رود شب و روز (سعدی، گلستان، ۱۲۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۱)	«آدم عجول و شتاب‌کار، اسب تازی است»
۱	گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد/ و این گله را نگر که چه آسوده می‌چرد (اوحدی، دیوان، ۳۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲ (۱۵۰۷)	«اجل، گرگ است»
۱	استر چو نزاید، خواه نر، خواه ماده (تاریخ الوزراء، ۴۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۳۵/۱)	«شخص بدون سود و فایده، استر است»
۲	بلبل عرش‌اند، سخن‌پروران (نظامی، خسرو و شیرین، ۴۰ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۳۸/۱) از عندلیب، وصف گلستان شنیدنی است (صائب، ۹۸۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۸/۱)	«شاعر، عندلیب است»
۱	با همتِ باز باش و با کبر رأی پلنگ (کلیله و دمنه، ۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۷۸/۱)	«شخص باهمت، باز شکاری است»
۲	پشه کی داند که این باغ از کی است؟/ کاو بهاران زاد و مرگش در دی است (مولوی، مثنوی، ۲۳۲۱/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه از پیل، کم زید بسیار/ زان‌که کوته‌بقا بود خون‌خوار (سنایی، حدیقه، ۵۴۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)	«شخص دارنده عمر کوتاه، پشه است»
۱	پشه با شب زنده داری خون مردم می‌خورد (صائب، ۲۹۴۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)	«عابد ریاکار شب‌زنده- دار، پشه خون‌خوار است»

۱	پشه از پیل، کم زید بسیار/ زانکه کوتاه‌بقا بود خون‌خوار (سنایی، حدیقه، ، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)	«شخص خونخوار، پشه است»
۲	پلنگی که گردن کشد بر وحوش/ به دام افتد از بهر خوردن چو موش (سعدی، بوستان، ۱۴۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۲/۱) با همت باز باش و با کبرِ (رأی) پلنگ (کلیله و دمنه، ۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۴۷۸)	«شخص متکبر و مغرور، پلنگ است»
۱	پلنگ از زدن، کینه ورتتر شود (سعدی، بوستان، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۲/۱)	«شخص کینه‌جو پلنگ است»
۱	پرخوری، ژنده پیل باشی تو/ کم خوری، جبرئیل باشی تو (سنایی، حدیقه، ۳۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۱)	شخص پرخور ژنده پیل است»
۱	آدم نمی‌توان گفت، آن را که خر نباشد (بیدل، ۵۴۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۶/۱)	«ثروت و دارایی خر است»
۱	آفتابی که بر جهان گردد/ بهر خفاش، کی نهان گردد؟ (سنایی، حدیقه، ۵۶۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۲۵/۱)	«روی برتابنده از حقیقت، خفاش است»
۱	آدمی‌شکل بود کاو بدتر از دد باشد (ابن‌یمین، ۳۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۹/۱)	«شخص بدفعل دد است»
۱	بود مهر زنان همچون دُم خر (فخرالدین اسعد گرگانی، ۲۳۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۴۳/۱)	«مهر زنان، دُم خر (کوتاه) است»
۶	شبنانی که او بر رمه شد سترگ/ گُشد گوسپندان، چه او و چه گرگ (گرشاسب‌نامه، ۲۰۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۳۹/۱)	«رعیت، رمه است»

	تبه گردد از بی شبانی، رمه (فردوسی، ۱۰۷۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۲/۱): از رمه چیزی نمآند چون بمآند بی شبان (عنصری، ۱۵۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۹۸/۱): گرگ اجل یکایک از این گلّه می برد/ وین گلّه را نگر که چه آسوده می چرد (اوحدی، دیوان، ۳۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۵۰۷/۲): این گرگ سالهاست که با گلّه آشناست (پروین اعتصامی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۴۴۲): سلطان شبان است و عامی گلّه (سعدی، بوستان، ۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۲۰۹۹)	
۱	از آن بر گرگ، روبه راست شاهی/ که روبه دام بیند، گرگ ماهی (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۸۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	«شخص زیرک، روباه است»
۱	آنچه شیران را کند روبه مزاج/ احتیاج است احتیاج است احتیاج (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱)	«شخص محتاج و نیازمند، روباه است»
۱	اگر نره طاووس باشد به باغ/ که را می کشد دل به دیدار زاغ (گرشاسب نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۳/۱)	«شخص زشت رو، زاغ است»
۱	باز شاهی از حسد گردد غراب (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۴/۱)	«حسود، کلاغ است»
۱	بر در خانه هر سگی شیر است (سنایی، حدیقه، ۳۰۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۱/۱)	«شخص ترسو سگ است»
۱	ای مگس، عرصه سیمرخ نه جولانگه توست (حافظ، ۳۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲:	«شخص بزرگ و بی مانند، سیمرخ است»

	(۴۲۸/۱)	
۱	اگر دیر آمدم شیر آمدم، شیر (نظامی، خسرو شیرین، ۲۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۷۱/۱)	«شخص پیروز و موفق، شیر است»
۱	پنجه در سر پنجه تقدیر کردن مشکل است (صائب، ۵۲۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۵/۱)	«تقدیر، شیر است»
۱	پنجه کردن با بلای آسمانی مشکل است (صائب، ۵۲۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۵/۱)	«بلای آسمانی، پهلوانی قدرتمند است»
۱	آنچه شیران را کند روبه مزاج / احتیاج است احتیاج است (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱)	«شخص بی‌نیاز، شیر است»
۱	اسب تازی دو تک رود به شتاب / شتر آهسته می‌رود شب و روز (سعدی، گلستان، ۱۲۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۱)	«شخص با تأنی و وقار، شتر است»
۱	از دو حرف قالبی کز دیگران آموخته است / دعوی گفتار بر طوطی مسلم کی شود؟ (صائب، ۱۳۱۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۹۵/۱)	«شخص مقلد، طوطی است»
۱	آخر پر عقاب، پر تیر می‌شود (صائب، ۲۰۵۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«شخص بلندپرواز، عقاب است»
۱	از آنچه عنکبوت بافد، جامه نشاید دوختن (تاریخ الوزرا، ۲۰۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	«هر آنچه سست است، تار عنکبوت است»
۱	اگر زمانه به گرگی دهد زمامش (عنانش) را / بر او ز بهر سلامت، سلام باید کرد (ناصر خسرو، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۷۳/۱)	«شخص هولناک و آسیب‌رسان، گرگ است»

۱	حکمت همچو ناقه ضاله است (مولوی، مثنوی، ۳۳۸/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۴۰/۱)	«حکمت ناقه ضاله است»
۱	از صلح میان گربه و موش / بر باد رود دکان بقال (ایرج میرزا، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۷/۱)	«مراقب و نگهبان خیانت کار و بی وفاء، گربه است»
۱	چو برگردید روز نیکبختی / در و دیوار با او نیش گردند (سعدی، کلیات، ۷۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۸۹/۱)	«بدبختی، مار است»
۱	بود به، مار بد از یار بد (مولوی، مثنوی، ۱۶۹/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۴۳/۱)	«یار بد مار است»
۱	مرغ صبر، از جمله پرآن تر بود (مولوی، مثنوی، ۱۰۶/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۶۷۲/۲)	«صبر مرغ است»
۲	مرغ دل از آشیانی دیگر است (عطاری، دیوان، ۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۶۷۱/۲) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند / از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم (وحشی بافقی، ۱۰۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۵۶۶/۲)	«دل، مرغ است»
۱	برکشتی عمر، تکیه کم کن / کان نیل نشیمن نهنگ است (رودکی، ۴۹۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۵/۱)	«خطرات عمر، نهنگ است»
۱	بر بام خرابات چه جغدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۰۹/۱)	«شخص خجسته، هماست»
۱	بر بام خرابات، چه جغدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۰۹/۱)	«شخص نامبارک، جغد است»

۱	پلنگی که گردن کشد بر وحوش/ به دام افتد از بهر خوردن چو موش (سعدی، بوستان، ۱۴۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۴۲)	«شخص در دام افتاده، موش است»
۱	اگر نره طاووس باشد به باغ/ که را می‌کشد دل به دیدار زاغ؟ (گرشاسب‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۹۳)	«شخص زیبارو، طاووس است»

۵. نتیجه

از آن‌جا که در نظریه استعاره مفهومی، شکل‌گیری نگاشت‌های استعاره‌ای در ذهن، زنجیره‌ای از استعاره‌ها را در گفتار می‌آفریند، این نظریه می‌تواند پنجره‌ای برای ورود به ذهنیت استعاره‌ی نویسنده، شاعر و یا پدیدآورندگان یک اثر باشد. ضرب‌المثل‌ها که برخاسته از اجتماع و بطن زندگی مردم است و با نوع زندگی و فرهنگ آنان پیوند تنگاتنگی دارد، منعکس‌کننده بسیاری از مفاهیم ذهنی آنان است. استعاره همچون ابزار بسیار مفیدی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور، نقش مهمی ایفا می‌کند. اهمیت استعاره در کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست؛ بلکه هر استعاره‌ای برحسب نیاز بشر، برای درک پدیده‌های ناآشنا و انتزاعی و با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی انسان، شکل می‌گیرد و بسیاری از مفاهیم انتزاعی از طریق انطباق استعاره‌ای اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه دیگر، نظم پیدا می‌کند.

در این پژوهش که به بررسی استعاره‌های مفهومی به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادب پرداخته شده است. نویسنده نشان داده که در کل ضرب‌المثل‌های بررسی‌شده در مورد تصاویر حیوانات، ۱۱۷ نگاشت دیده شده است. در این میان، استعاره مفهومی «ضعف و ناتوانی» با ۲۶ ضرب‌المثل و ۱۶ نگاشت بیشترین بسامد و پس از آن به ترتیب استعاره مفهومی «دشمنی»، با ۲۱ ضرب‌المثل و ۸ نگاشت؛ استعاره مفهومی «نیرومندی»، با ۱۵ ضرب‌المثل و ۶ نگاشت متفاوت و استعاره مفهومی «نادانی» و «بی‌خردی» با ۱۲ ضرب‌المثل و ۵ نگاشت دیده شد. هر یک از مفاهیم انتزاعی، در حیواناتی که طبق باور مردم، سمبل و نماد بارز آن مفاهیم در عالم واقع هستند، نمود یافته است. از این روی، درک مفهوم انتزاعی را آسان‌تر کرده است. پرداختن به مفاهیم

چهارگانه (ناتوانی، دشمنی، نیرومندی و نادانی) - که ارتباط معنایی تنگاتنگی با یکدیگر دارند - حاکی از بازتاب اندرزها و نکاتی اخلاقی است و به شیوه غیرمستقیم (مثلاً) که گاه با طنز و تهکم همراه است، در پی تعلیم خیر، نیکی و زیبایی است.

پی‌نوشت

1. Cognitive linguistics

منابع

- اطهاری نیک‌عزم، مرضیه (۱۳۹۳). «تحلیل زمان و شاخص‌های زمانی در ضرب‌المثل‌ها با رویکرد نشانه - معناشناسی». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۳. صص ۱-۲۵.
- براتی، مرتضی (۱۳۹۶). «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی». *مطالعات زبانی و بلاغی*. س ۸. ش ۱۶. صص ۵۱-۸۴.
- پالمر، فرانک رابرت (۱۳۹۱). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*. ترجمه کوروش صفوی. چ ۶. تهران: نشر مرکز.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. ج ۲. چ ۱. تهران: علم.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. چ ۴. ویراست ۲. تهران: ن: سمت.
- رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۰). *نقش استعاره در بازنمایی و بازتولید تحلیل گفتمان انتقادی: ایدئولوژی در رسانه‌ها*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *مطالعات زبانی بلاغی*. س ۴. ش ۸. صص ۹۱-۱۱۶.
- روشن، بلقیس و همکاران (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان». *زبان‌شناخت*. س ۴. ش ۲. صص ۷۵-۹۴.
- شریفی‌مقدم، آزاده و نرجس ندیمی (۱۳۹۲). «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار». *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ش ۲. صص ۱۳۷-۱۵۹.

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌هایعلیرضا آرمان و همکاران

- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۲). ده‌هزار مثل فارسی و بیست و پنج‌هزار معادل آن‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صادقی‌منش، علی و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی هم‌سنج جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناختی آلفرد آدلر و اریک برن». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۷. صص ۴۷-۶۹.
- فضائی، مریم و شهلا شریفی (۱۳۹۲). «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های فارسی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ش ۱. صص ۱۳۱-۱۴۴.
- کوچش، زلتن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه شیرین پوراابراهیم. تهران: سمت.
- گلغام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». تازه‌های علوم شناختی. س ۴. ش ۳. صص ۵۹-۶۴.
- لیکاف، جورج (۱۳۹۰). «نظریه معاصر استعاره». ترجمه فرزانه سجودی. استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی (مجموعه مقالات). ج ۲. به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سوره مهر. صص ۱۳۵-۲۳۰.
- متقی‌زاده، عیسی و الهام نیکویخت، (۱۳۹۳). «مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن، از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی». ادبیات تطبیقی. س ۶. ش ۱۰. صص ۲۹۵-۳۲۱.
- ملاکی، زهرا و مختار فیاض (۱۳۹۵). «بررسی مبانی استعاری ضرب‌المثل‌های دینی - مذهبی». کهن‌نامه ادب فارسی. س ۷. ش ۳. صص ۱۱۱-۱۳۰.
- نورمحمدی، مهتاب (۱۳۸۷). تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج‌البلاغه: رویکرد زبان‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). استعاره. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- Lakoff, George & Mark Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago press.

The metaphoric mappings of animal in proverbs extracted from Persian texts

Alireza Arman¹ Mahyar Alavi Moghadam*² Ali Tasnimi³
Mahmoud Elyasi⁴

1. Ph.D. candidate in Persian language and literature- Hakim Sabzevari University. Sabzevar – Iran.
2. Associate professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University.
3. Assistant professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University. Sabzevar –Iran.
4. Assistant professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University. Sabzevar – Iran.

Received: 29/03/2019

Accepted: 22/05/2019

Abstract

The use of different metaphors in text by language speakers reflects their attitude and perception. Ideologies create metaphors to realize their beliefs and teachings. In this way, the role of metaphor in society and in life is undeniable. As a reflection of the thoughts of the speakers of a language, the proverb is part of the local and popular literature that can be considered as one of the best ways to express the common thoughts among them. The name of the animals is one of the widely used words in Persian proverbs and in the poetry of the past and in contemporary poets to represent the material and spiritual instances. By adopting a descriptive –analytical research methodology, this research aims at investigating conceptual metaphors of animals in literary texts based on cognitive linguistics theoretical framework. The data gathered is based on “*the great dictionary of Persian proverbs*” by Hassan Zolfaghari. The results of the total proverbial corpus of this dictionary concerning the use of animals showed that 184 mappings were observed, among which the conceptual metaphor of "weakness" with 26 proverbs and 15 mappings was the most frequent, followed by the conceptual metaphor, respectively. "Hostility" with 21 proverbs and 8 mappings, "strenghtness" metaphor with 15 proverbs and 6 mappings and finally the metaphor of "ignorance and disbelief" with 12 proverbs and 5 mappings have been frequently used.

Keywords: Cognitive linguistics; conceptual metaphors; mapping; animal figures; proverb

*Corresponding Author's E-mail: m.alavi.m@hsu.ac.ir